

تحلیل مفهومی شعر در صدر اسلام

رمله بتول^۱

چکیده

صدر اسلام از زمان دعوت پیامبر خدا ﷺ به اسلام، آغاز می‌شود و تا عصر اموی که زمان تثبیت تأثیرات اسلام بر ادب و فرهنگ است، ادامه می‌یابد. پژوهش حاضر با هدف بررسی مفهومی شعر در صدر اسلام انجام شد. در این پژوهش به روش تحلیلی-اسنادی، تأثیر ابتدایی، اما بنیادین اسلام بر شعر و ادب بررسی شد. با مطالعه آثار مکتوب در این موضوع از جمله دیوان اشعار و کتب، مشخص شد که شعر با تأثیر از عنصر زمان و مکان تغییر ماهیت داده و اسلام به منزله یک عامل مثبت، تأثیرات آشکاری بر شعر نهاده است.

واژگان کلیدی: اسلام، مخضرم، شعر صدر اسلام، فرهنگ صدر اسلام.

۱. مقدمه

اسلام از جنبه‌های مختلف بر زندگی اعراب تأثیر گذاشت، زندگی دینی مردم را دچار تغییر اساسی کرد، بت پرستی و شرک را برانداخت و با عبادت آتش و ستاره و مانند آن مبارزه نمود. با ظهور اسلام، زندگی اجتماعی اعراب که ساختاری قبیله‌ای داشت از بین رفت و به جای دشمنی، اختلاف و سرسختی بین افراد، همکاری و برادری حکمفرما شد. اسلام امتیازات قبیله‌ای را حذف کرد، مردم را در برابر خدا و قانون مسئول شمرد و ملاک برتری را تقوا قرار داد. دین اسلام به این شکل به انسان آزادی و استقلال فکری و اجتماعی بخشید و او را خلیفه‌الله خواند و با

۱. کارشناسی زبان و ادبیات عربی، از کشور پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

طرح مسائلی چون زکات، صدقه، احسان، نماز و حج، وحدت جامعه اسلامی را تقویت کرد. (حفاری، ۱۹۸۴)

اسلام به اعراب استقلال سیاسی داد، تمام قبایل تحت وحدتی سیاسی قرار گرفتند و رسول خدا ﷺ را در جایگاه حاکم و رئیس قبول کردند. (حفاری، ۱۹۸۴) دین اسلام با ادیانی که بی پایه و اساس بودند و با عقیده‌های واهی و پوچ جنگید و به کارگیری عقل و فکر اهمیت پیدا کرد (عتیق، ۲۰۰۱). دین اسلام، راهنمایی نادانان و اصلاحشان را از وظایف مردم خواند و گرایش‌های جاهلیت به سوی بت پرستی و پرسش هوای نفس را باطل شمرد (عتیق، ۲۰۰۱، ص ۱۶). به دنبال ظهور اسلام، در زمینه ادب و شعر که از افتخارات عرب شمرده می‌شود نیز تحولاتی ایجاد شد.

بسیاری پژوهشگران بر این باورند که شعر دوره اسلامی نسبت به قبل از اسلام در سطح ادبی پایین‌تری قرار دارد؛ یعنی به طور کلی شعر عربی در زمان پیامبر ﷺ و خلفای راشدین دچار ضعف و سستی شد. (معروف، ۱۹۹۳) ابن سلام جمحی می‌گوید: «اسلام آمد و عرب‌ها از شعر روگردانند و به جهاد و مبارزه با ایران و روم مشغول شدند و از شعر و روایت آن بازماندند» (حاجری، ۱۹۸۲). جرجی زیدان هم این نکته را قبول دارد و می‌گوید: «علت ضعف شعر در دوره اسلامی، جهاد و سفر مسلمان برای نشر اسلام و روی آوردن آنها به خطبه به جای شعر بود» (زیدان، ۱۹۵۷). تعدادی از پژوهشگران جدید نیز با پیروی از گذشتگان در صدد تأیید نظریات آنان برآمدند. برای مثال، معروف نایف می‌گوید: «شعر عربی در روزهای نخستین دعوت اسلامی مستقیماً به سوی تفکرات اعتقادی و دینی گرایش پیدا کرد و بنابراین مرتبه و ارزش آن کاهش یافت» (معروف، ۱۹۹۳). دکتر عبدالقادر قط می‌گوید: «اگر شعر در این مرحله (صدر اسلام) را با شعر جاهلی مقایسه کنیم، درمی‌یابیم میان این دو شعر از نظر سطح و اصالت شعری فاصله زیادی وجود دارد و قسمت اعظم شعر در صدر اسلام به‌ویژه شعر سیاسی، از نظر تخیل و استحکام لغوی و ارتباط با طبیعت و برقراری پیوند میان طبیعت و عواطف انسانی، با شعر جاهلی تفاوت اساسی دارد و در زمینه‌های بسیاری از ابداع و نوآوری فاصله گرفته و به نظم محض نزدیکتر است» (قط، ۱۹۸۷، ۱۲/۱). وی این ضعف را در سازگاری شعراء با ارزش‌های روحی و اجتماعی جدید می‌بیند. شاعر

جاهلی که بیشتر عمرش را در آن دوره به سر برده و طبق ارزش‌های آن جامعه رشد یافته بود، نمی‌توانست آن اسلوب‌ها را به‌طور کامل ترک گفته، شیوه جدیدی در پیش گیرد.

شوقی ضیف با نظریات فوق مخالف است و معتقد است که شعر در صدر اسلام حرکت خویش را ادامه داده، ذره‌ای عقب‌نشینی نکرده است. با مراجعه به منابع شعری درمی‌یابیم که شعر در صدر اسلام نیز دارای شکوفایی بوده است. او نظریه ابن‌خلدون و پیروانش را در این مورد نادرست می‌داند. وی رویگردانی اعراب را از شعر، فقط منحصر به یک دوره کوتاه می‌داند؛ یعنی در زمان نزول وحی که مسلمان مشغول به نشر اسلام بودند. همچنین این شبهه را که اسلام در سال‌های آغازین، شعر را تحقیر کرد و بی‌ارج شمرد و نیز این شبهه را که مقابله قرآن با شعر در این دوره، شاعران را از سرودن شعر بازداشت یا آنها را به‌سوی نثر سوق داد، رد می‌کند. (ضیف، ۱۹۶۳)

مسلمانان با اینکه می‌دانستند مقصود قرآن از آیه «الشعراء يتبعهم الغاوون...» (شعراء: ۲۲۴) و حدیث پیامبر ﷺ که فرمود: «اگر درون شما از چرک پر شود، بهتر است از اینکه از شعر پر گردد»، عدم روایت و یا سردون هر شعر نسیت و مقصود، فقط شاعران مشرک است، باز هم به خود اجازه ندادند مثل گذشته شعر بگویند. (زیات، بی‌تا) یکی از عوامل ضعف شعر در دوره صدر اسلام، تفاوت موقعیت شاعران در اسلام و جاهلیت است؛ زیرا شاعران در روزگار جاهلیت به منزله پیامبرانی بودند که مردم در مقابل سخنان و اشعار آنان سکوت می‌کردند و مخالفان از آنان می‌ترسیدند، ولی با بعثت پیامبر ﷺ و نزول قرآن و تحقق یافتن اسلام و دعوت دین جدید، نیاز عرب‌ها به شعر از میان رفت و شاعران مقام و منزلت خویش را از دست دادند و دیگر نیازی به آنان احساس نمی‌شد و بعد از آنکه زمانی پیروانی داشتند، خودشان پیرو دین جدیدی شدند (معروف، ۱۹۹۸).

بیشتر شاعران جاهلی از جنگاوران و دلاوران بودند و موضوع شعرشان فخر و حماسه بود که بیشتر به عصبیت قبیله‌ای آنان برمی‌گشت، ولی زمانی که اسلام آمد و عصبیت کنار گذاشته شد و مسلمانان مشغول چنگ و جهاد شدند، اسالیب قرآن و توجه به امور اسلامی و نیاز اسلام به

خطابه، آنها را از اغراض و مضامین جاهلی و به‌طور کلی شعر، دور کرد. (زیدان، ۱۹۱۱) همچنین در دوره جاهلی که شعر وابسته به میراث عمیق جاهلی و اصول ثابت و استوار آن بود، بعد از اینکه اسلام آمد و آن الگوهای جاهلی از بین رفت، طبیعی است که رو به ضعف نهد (حاجری، ۱۹۸۲).

بسیاری از مورخین براین باورند که عرب‌ها در روزهای آغازین ظهور اسلام به علت پرداختن به امور دینی و قرآن و سنت از سرودن شعر و نثر بازماندند و در مقابل، از سبک قرآن و نظم ویژه آن شگفت زده شدند و برای اندک زمانی از پرداختن به شعر و نثر دست کشیدند؛ و چون سرودن شعر در قرآن حرام نشده بود و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز به اشعار شاعران گوش فرا می‌داد و آنان را به سرودن شعر تشویق می‌نمود، عرب‌ها پس از آن به عادت قبلی خویش یعنی، سرودن شعر باز گشتند. شعر اسلامی با شعر جاهلی قابل مقایسه نیست؛ زیرا شاعر اسلامی به سبب تفاوت در معیارها و آرمان‌هایش، انسانی متفاوت با انسان جاهلی است و دیدگاه عرب مسلمان در مورد این فن کلامی، تا حدودی با دیدگاه دیگران فاصله دارد و حتی در برخی موارد به کلی دگرگون شده است. شعر جاهلی صد و پنجاه سال را شامل می‌شد؛ درحالی‌که شعر صدر اسلام فقط محدود به زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و خلفای راشدین می‌شد. در ضعف سرایش شعر، نباید فقط به شعر مسلمانان توجه کرد؛ زیرا در آن دوره نیز سرایش شعر توسط مشرکان نیز به قوت خود باقی بود و همچنان ادامه یافت و چون بسیاری از فحول شعرا در این عصر، عمرشان به پایان رسیده، یا پیر شده بودند، نمی‌توانستند به قوت گذشته شعر بگویند. بنابراین، نباید در مورد ضعف سرایش شعر در صدر اسلام آن را فقط به مسلمانان نسبت داد. (هزاره، ۱۹۹۵، ص ۷۳)

حسان بن ثابت خود به این حقیقت اعتراف می‌کند و نیازی به ظهور آن نمی‌بیند. روزی به او گفته شد: «ای حسان! شعرت در اسلام نرم شد». او در جواب گفت: «ای برادرزاده! اسلام انسان را از دروغ‌گویی باز می‌دارد درحالی‌که دروغ زینت شعر است». (معروف، ۱۹۹۸) در زمینه مشابهت میان دو نوع شعر یعنی، شعر دوره جاهلی و دوره اسلامی، باید گفت که این تشابه به علت تأثیر ارزش‌های جاهلی باقیمانده در اذهان شاعرانی است که تازه اسلام آورده بودند و

دست برداشتن از عقاید و ارزش های قبلی به ویژه در اموری که اسلام مردم را از آن باز داشت، برایشان ساده نبود.

۲. تأثیر قرآن بر شعر صدر اسلام

قرآن کریم در شعر صدر اسلام تأثیری آشکار داشت که هر خواننده ای این تأثیر را در اصول و مفاهیم این شعر می یابد. برای هر پژوهشگر، برشمردن کامل اقتباسات شاعران مسلمان از قرآن کار آسانی نیست؛ چراکه الفاظ بی شماری از قرآن کریم زینت بخش شعر دوره اسلامی است. معانی والای قرآنی، بسیاری از ابیات شعر را در بر گرفته است و معنویت الهی قرآن در مقدمات قصاید و قطعه ها پرتوافشانی می نماید. ظهور این تأثیرات بر شعر، تمامی شاعرانی که اسلام را از روی میل قلبی پذیرفته بودند، امری بدیهی بود، همان طور که قرآن بر شاعرانی که سال ها با پیامبر ﷺ به سر برده بودند، تأثیر بیشتری داشت؛ این حقیقتی است که با مطالعه اشعار آنان به آن پی برده می شود. در بسیاری از قصاید حسان بن ثابت، الفاظ و معانی قرآنی دیده می شود. برای مثال، او پس از کشته شدن حارث بن سويد به دست پیامبر ﷺ که یکی از مسلمان را کشته و به مکه گریخته بود، چنین می گوید: (البرقوقي، ۱۹۹۶، ص ۲۷۶)

و قلتم لن نرى والله مبصر کم
و فیکم محکم الايات والقیل
محمد والعزیز الله یخبره
بما تکن سریرات الاقاول

معنی بیت اول شعر فوق از آیه «لا تدركه الابصار وهو يدرك» (انعام: ۱۰۳) و معنی بیت دوم از آیه «و ربك يعلم ما تکن صدورهم وما یعلنون» (قصص: ۶۹) گرفته شده است. خداوند در توصیف منافقانی که نیت خود را مخفی می دارند آیه ۴ سوره منافقون را نازل کرد: «و اذا رایتهم تعجبک اجسامهم وان یقولوا تسمع لقولهم کانهم خشب مسنده»؛ حسان این معنی قرآن را گرفت و گاهی نیز الفاظ قرآن را در شعر خود به کار می برد. او در نکوهش فرزندان حارث بن کعب ابن مجاشعی چنین گفت: (البرقوقي، ۱۹۹۶، ص ۳۱)

لا باس بالقوم من طول و من عظم جسم البغال و حلام العصافير

كانكم خشب مسنده جوف مكاسره مثقب فيه ارواح الاعاصير

شاید آشکارترین اقتباس و تضمین در قصیده دالیه وی در ستایش پیامبر باشد؛ به گونه‌ای که نمی‌توان بیتی از آن را یافت که در آن چیزی از الفاظ و مفاهیم قرآن نیامده باشد، این قصیده با مطلع زیر آغاز می‌شود: (البرقوقی، ۱۹۹۶، ص ۱۳۴)

من الله مشهود يلوح و يشهد اغر عليه للنبوه خاتم

آنگاه که حسان بر مشرکان قریش می‌تازد و در بسیاری از قصایدش ارزش‌های جاهلی و مفاهیم آن را بر آنان عیب می‌گیرد، عبدالله بن رواحه، بدون خروج از محدوده قرآن، عقاید آنان را مردود می‌شمارد و معتقد است که خداوند است که به واسطه آیات محکم‌ش مردم را از تاریکی‌های شرک به سوی روشنایی‌های اسلام هدایت می‌کند و وعده او نیز حق است: (معروف، ۱۹۹۸، ص ۲۷۸)

شهدت بان وعدالله حق و ان النار منوى الكافرينا

و ان العرش فوق الماء طاف و فوق العرش رب العالمينا

و تحمله ملائكة كرام ملائكة آلاله مقربينا

بیت اول شعر فوق به آیه «والذین كفروا يتمتعون و یاكلون كما تاكل الانعام والنار منوى لهم علی الماء لیبلوكم ایكم احسن عملا» (هود: ۷) اشاره دارد.

این موضوع فقط به شاعران پیرو پیامبر ﷺ اختصاص ندارد؛ عمرو بن سالم خزاعی هنگام هم‌پیمانی قبیله بکر و قریش برضد خزاعه، برای درخواست کمک نزد پیامبر ﷺ آمد و این‌گونه الفاظ قرآن را در شعرش به‌کار گرفت (معروف، ۱۹۹۸): «هم بیتونا بالوتیر هجدا و قتلونا رکعا و سجدا»؛ که آن را از آیه قرآن برگرفته است: «یسقون فیها کاسا مزاجها زنجیلا عینا فیها تسمى ساسیلا» (انسان: ۱۷-۱۸).

ویژگی‌های شعر شاعران صدر اسلام و اثر بر آن شعر شاعران مکه در دوره مخضرم، بر روش و اسلوب جاهلی باقی ماند و تنها چارچوب اسلوب اسلامی را به خود گرفت و شیوه سرودن شعر را به شیوه دوره قبل از اسلام ادامه داد. از ویژگی‌های شعر صدر اسلام می‌توان ایجاز، قدرت بیان و استحکام الفاظ و تنوع موضوعات و اوصاف زیبا را یاد کرد، به طوری که خواننده نمی‌تواند به راحتی در این دوره شعر اهل بادیه و شعر مکی را از شعر جاهلی متمایز کند (جوری، ۱۹۹۷).

تأثیر اسلام بر شعر عرب با توجه به ناحیه‌ها و مکان‌های مختلف جغرافیایی متفاوت بود. برای مثال، شعر شاعران بادیه متأثر از اسلام نبود و همان شیوه و اسلوب خود در دوره جاهلی را ادامه داد. شاعران مکه هم که بهره‌چندانی از شعر نداشتند، با ظهور اسلام و بعد از آن، مهاجرت مسلمان به مدینه، در فن نقائض، شاعرانی پروراندند، شاعرانی که برای هجو مؤمنان نقیضه می‌سرودند. فقط شاعران مدینه در آغاز اسلام، معانی اسلامی در شعرشان وارد شد و تعبیر و اصطلاحات قرآن و اسلام در شعرشان نمایان گشت. بعد از فتح مکه، ساکنان مکه به اسلام روی آوردند و اعتذاریات و مدح‌هایی برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سرودند و بدین ترتیب معانی و مضامین اسلامی در شعر شاعران مکه نفوذ کرد.

شعر شاعران مدینه متأثر از مفاهیم اسلامی است و خواننده با معانی و مفاهیم جدیدی مواجه می‌شود؛ شیوایی، رسایی و لطافت الفاظ و وضوح معانی در قصیده‌ها و قطعه‌های شعری مربوط به موضوعات اسلامی در آن دیده می‌شود. (جوری، ۱۹۹۷) با این حال، دکتر قط معتقد است که در بسیاری موارد شعر عربی، سیاق جاهلی خود را حفظ کرده، بنای قصیده به همان شکل قبلی است و با ذکر اطلال آغاز می‌شود و تنها تأثیر اسلام بر آن اشعار در چند بیت است که به آسانی می‌توان از آنها چشم پوشیده (قط، ۱۹۸۷)، اما به طور کلی روش و سبک شعر جاهلی و به ویژه در مدح، هجا، فخر و رثا، در اسلوب این شاعران به چشم می‌خورد. مانند قصیده «برده» از بانث سعاد که از قصاید مهم در مدح حضرت رسول صلی الله علیه و آله و عذر خواهی که حسابن ثابت بر ضد ابی سفیان بن حارث سروده نیز از این گونه اشعار است که با مطلع «هجوت محمدا فاجبت علیه و عندالله فی ذاک جزاء»، آغاز می‌شود (البرقوقی، ۱۹۹۶). این شعر با ذکر منازل محبوبه آغاز

می‌شود و بعد به ذکر شراب می‌پردازد (ضیف، ۱۹۶۳). این نکته بدین معناست که تغییر و تحول بزرگی در قصیده عربی و سلامی رخ نداده است. این امر طبیعی است؛ چراکه صدر اسلام، دوره انتقال از زندگی قدیم عرب‌ها به زندگی جدید یعنی، دوره اسلامی است. در این وهله، پدیده‌های جدیدی در فن شعر بروز نمی‌کند مگر بعد از دوره‌ای که اذهان، از خواسته‌های دوره جدید آگاهی یابد. پس عجیب نیست شعر این دوره متأثر از شعر جاهلی باشد و به‌رنگ جاهلی درآید، همچنان که روح زندگی قبیله‌ای هنوز هم در لابه‌لای زندگی عرب‌ها دیده می‌شد (جوری، ۱۹۹۷) و هرچند لغات و اصطلاحات و معانی جدیدی به درون شعر نفوذ کرد و جای وصف شتر و اطلال و دمن را گرفت، ولی اسلوب همچنان جاهلی بود (قط، ۱۹۸۷).

ارتباط و شباهت شعر مسلمانان با شعر جاهلی به این سبب است که بیشتر شاعران بزرگ و برجسته در دوره جاهلی، به رشد عقلی و کمال شعری دست یافتند. برای مثال، لبید، کعب بن مالک، کعب بن زهیر، نابغه جدی، حطیئه و... قسمت اعظم عمرشان را در دوره جاهلی گذرانده بودند. با این همه، شعر این دوره نمی‌توانست ارزش‌ها و اصول دینی را آن‌طور که باید بیان کند؛ زیرا شاعران قادر نبودند به راحتی از سیاق و شیوه‌ای که در دوره جاهلی شعر می‌سرودند، دست بکشند و راهی نو در پیش گیرند. همچنین شاعران اصول و ارزش‌های اسلام را به‌طور عمیق درک نکرده بودند تا در رفتار و دیدگاه‌شان نسبت به مردم، زندگی و شعر و... تحولات اساسی ایجاد کرده باشد. از این رو، تأثیر دین اسلام در شعر آنها فقط در به‌کارگیری الفاظ و تعبیرات دینی و آیات قرآنی، یا بیان وقایع و رویدادهای اسلامی و برخی از تعالیم اسلامی، منحصر شده بود. برای مثال، مدح‌های کعب بن زهیر برای پیامبر ﷺ و مهاجرین نرم و لطیف است و از عبارت‌ها و الفاظ جدید اسلامی در آن استفاده شده است و بیشتر حول شجاعت و صبر در میدان جنگ می‌چرخد (قط، ۱۹۸۷).

نوآوری و خلق معانی برگرفته از اسلام و تعالیم آن، در شعر شاعران صدر اسلام جایی ندارد، درحالی‌که امید می‌رفت شاعران اسلوب و روش قرآن را در بیان حقایق، وعده و وعید، و آوردن حکم و قصه‌ها و... به کار بندند، ولی این‌طور نبود. حتی معانی و مفاهیم دینی در شعرهایی که

در مورد وقایع مربوط به دین اسلام و جنگ‌هایی که اتفاق افتاده بود، سروده می‌شد، فقط محدود به یک یا چند بیت در اول یا وسط قصیده می‌شد؛ و فقط چند بیت یک قصیده به مفاهیم و معانی دینی و کوشش شاعر در بیان اموری چون هدایت و گمراهی، قرآن و پیامبر ﷺ معطوف می‌شود و بعد از آن ابیات، فخر و عصییت جاهلی در شعر نمایان می‌شود. (جوری، ۱۹۹۷) شاید اگر پیامبر ﷺ شاعران را به بیان امور مربوط به دین و نشر و استحکام آن دعوت نمی‌کرد، همچنان در روش جاهلی خود باقی می‌ماندند. پیامبر ﷺ برای رد هجویه‌های مشرکان مکه، شاعران را به سرودن شعر در رد اشعار مشرکان تشویق می‌کرد؛ حسان بن ثابت، عبدالله بن رواحه و کعب بن مالک از جمله این شاعرانند (ضیف، ۱۹۶۳).

با این همه، باید در نظر داشت که در شعر مشرکان اثری از دین و اصطلاحات دینی دیده نمی‌شود. مشرکان سعی نمی‌کردند با خوار کردن دین اسلام و حمله به معتقدات مسلمان با آنان به مبارزه بپردازند بلکه آنان به بی‌قدر شمردن ارزش‌های اسلامی و حمله به اصل و نسب مسلمانان و بیان شکست‌هایشان بسنده می‌کردند. (سلام، ۱۹۸۵) مسلمانان جنگ را وسیله‌ای برای نشر دین اسلام و جهاد در راه خدا و سرنگونی کفر و گمراهی می‌دیدند، درحالی‌که مشرکان آن را نزاعی برای دستیابی به ریاست و فرمانروایی و وسیله‌ای برای سلطه بر قبایل و تلاشی برای حفظ موروثات و عقاید جاهلی‌شان می‌دانستند. پس طبیعی است که نقائص اسلامی رنگ دینی و نقائص قریش رنگ جاهلی به خود بگیرد. در نقائص کعب در جواب به نقائص ضاربن خطاب، این تفاوت فاحش است (جوری، ۱۹۹۷، ص ۳۵۲). ضرار قدرت و عظمت قومش و خوار شمردن اوس و بنی النجار در جنگ بدر و تهدید آنها به گرفتن انتقام را بیان می‌کند، ولی کعب از فخر جاهلی روی می‌گرداند و به بیان اعتقادش به قضا و قدر الهی روی می‌آورد و دشمنان را متجاوز و مسلمانان را شجاع و صبور و مجاهد می‌خواند.

یکی دیگر از ویژگی‌های شعر صدر اسلام، به تصویر کشیدن آن روزگار و ثبت وقایع آن است. آنگاه که جنگ شدیدی بین مسلمانان و مشرکان در می‌گرفت، شعر از جمله اسلحه‌های آن جنگ به‌شمار می‌رفت. پیامبر اکرم ﷺ به شاعران امر فرموده بودند که پندارها و تحقیرهای

دشمنان را تکذیب کرده، به خودشان برگردانند و با آنان وارد جنگ کلامی شوند؛ چراکه قریش بسیار به هجو مسلمانان حریص بود و با توصیف آنان به ضعف و کمی تعداد و اندیشه‌های نادرست و مانند اینها در صدد ایجاد تفرقه میان آنان بود. به همین سبب در جنگ‌ها و نزاع‌های زمان بعثت پیامبر ﷺ بود که نقائص به وجود آمد (هداره، ۱۹۹۵) عمر نقائص محدود به همان دوره بود؛ دو سال آغازین هجرت، زمان جنگ‌های خونین و سخت بود و شاعران با قصائدشان یکدیگر را تضعیف و تحقیر می‌کردند. زمانی که مکه فتح شد و قریش اسلام آورد و عرب امت واحد شد، خلفا در برابر هجا موضع گرفتند و با آن غرض شعری به مخالفت پرداختند. تا اینکه کم‌کم نقائص از دایره موضوعات و اغراض شعری کنار رفت.

نقائص اسلامی در دوران پیامبر ﷺ منحصر به مدتی کوتاه یعنی، در زمان جنگ‌های اسلامی بود و دارای اسلوبی ضعیف و سست و پریشان بود که فی البداهه و ارتجالی سردون آنها با توجه به اوضاع آن زمان که هنوز شاعران محیط اسلامی را به‌طور دقیق درک نکرده بودند، باعث ضعف و عدم استحکام آن می‌شد، ولی با این همه، نسبت به نقائص دوره اموری مؤدبانه‌تر و عفیف‌تر بود.

۳. موضوعات و مضامین شعر صدر اسلام

در این دوره، بعضی موضوعات شعری جدیدی مورد توجه شاعران قرار گرفت و بعضی موضوعات و اغراض شعری دوران جاهلی مورد بی‌مهری و بی‌توجهی واقع شد. شعر این عصر متأثر از حوادث بزرگ مثل جنگ بدر و... بود که از آن زمان در جنگ‌ها همچون سلاحی از سلاح‌های جنگی به‌شمار می‌رفت؛ در این جنگ‌ها بود که فخر، حماسه، هجا و مدح در شعر، جولانگاه شاعران شد.

۳-۱. فخر

مسلمانان به نیرو و ایمان و جهادشان در راه خدا و متمسک شدنشان به دین حنیف افتخار می‌کردند. پیامبر ﷺ برای رد فخر مشرکان نسبت به مسلمانان و هجوهای که نسبت به اسلام

و مسلمین می‌سرودند، شاعران را به سردون شعر در همین غرض شعری، دعوت می‌کرد، (هداره، ۱۹۹۵؛ کیلانی، ۱۹۸۵) همچنان که در عصر جاهلی نیز شاعران به خود و قوم‌شان و اجدادشان افتخار می‌کردند. برای مثال، حسان بن ثابت به آل نجار که از انصار بودند، افتخار می‌کرد و عباس بن مرداس به بنی سلیم افتخار می‌نمود. فخر در صدر اسلام در حقیقت ادامه فخر جاهلی بود مگر آنجا که بعضی معانی مختصر اسلامی به شعر نفوذ می‌کرد (قط، ۱۹۸۷).

در عصر اسلامی مشرکان به قدرت و تعداد زیادشان، شجاعت و دلاوری‌شان افتخار می‌کردند و با جبهه گرفتن در برابر دین و عقیده مسلمان، به جنگ لفظی و فخر فروشی به آنان نمی‌پرداختند. توصیف جنگ‌ها و وصف دلاوری‌ها از ویژگی‌های بارز این شعر است که در آن شمشیرها، اسب‌ها، زره‌ها و نیزه‌ها به وصف کشیده می‌شد، نام اماکن مختلف و اشخاصی که در آن جنگ شرکت داشتند، ذکر می‌شد، تاجایی که می‌توان به شعر به مثابه یک متن تاریخی مورد اطمینان نگاه کرد.

۳-۲. رثاء

در خلال جنگ‌ها از هر دو طرف کشتگان و زخمی‌هایی برجای می‌ماند که بازماندگان آنها به نوحه‌سرایی و گریه و زاری برای آنها می‌پرداختند. به همین دلیل، رثاء از عمده اغراض اصلی در آن عصر تبدیل شد. به‌ویژه بعد از جنگ بدر و احد، تا بعد از فتح مکه رثاء همچنان در بین اشعار به چشم می‌خورد. وفات پیامبر ﷺ انگیزه‌ای برای سرودن مرثیه بود. در زمان ابوبکر نیز عده زیادی از اصحاب رسول خدا ﷺ در معرکه یمامه، جان خود را از دست دادند و بعد از آن، مرگ عمر و فتنه قتل عثمان و همچنین درگیری بین پیروان حضرت علی (ع) با یاران عثمان و واقعه جمل و صفین و نهروان و... همه از وقایعی بودند که انگیزه‌ای برای سرودن مرثیه به‌شمار می‌آمدند. در کنار رثاء، قصاید عاطفی در این عصر پا به عرصه شعر گذارد؛ قصایدی که شاید نشانه‌های ظهور شعر عذری در عصر اموی بود. معانی‌ای همچون دوری و جدایی و از دست

دادن محبوب، در شعر نمایان شد که شاید بتوان آن را نوعی پیشرفت هنری و زبانی در این عصر دانست (قط، ۱۹۸۷).

فن جدید دیگری که در آن دوره ایجاد شد، فن بدیعیات بود که مشهورترین آنها قصیده کعب بن زهیر است. (فروخ، ۱۹۸۵). در آن زمان، مدح رسول خدا ﷺ شباهتی با مدح جاهلی نداشت، بلکه از عاطفه دینی نسبت به رسول خدا ﷺ برخوردار بود؛ مانند مدح‌های حسان بن ثابت و کعب بن مالک (آذرشب، ۱۳۷۵). شعر سیاسی و شعر فتوح که در بردارنده شرح جنگ‌ها و فتوحات و دعوت به شرکت در میدان جنگ و جهاد بود و همچنین ماجرای وفات پیامبر ﷺ و مسئله خلافت حضرت علی (ع) از جمله اموری بود که در شعر اعراب به چشم می‌خورد (آذرشب، ۱۳۷۵).

موضوعاتی چون عشق‌ورزی به زنان در شعر اسلامی جایگاهی نداشت، مگر در بعضی قصاید که روش جاهلی را در سرودن قصیده در پیش گرفته بودند. برای مثال، قصیده کعب بن زهیر با عنوان «بانت سعاد» که برای عذرخواهی از پیامبر ﷺ سرود. باین حال، داود سلوم معتقد است که سختگیری اسلام محدود به هجا و در اشعار سیاسی بود و نسبت به غزل و نسیب موضع‌گیری نمی‌کرد (سلوم، ۱۹۸۵). در آن زمان، غزل الهی و اشعار مملو از معانی اخلاقی ناشی از تربیت اسلامی در جامعه گسترش یافت (کیلانی، ۱۹۸۵). غزل، خیریه و توصیف خم در دوره جاهلی نیز از اغراض بود که در دوره اسلامی کنار گذاشته شد؛ زیرا اسلام نوشیدن شراب را حرام کرده بود. سخن از شراب و توصیف آن و قماربازی و طردیه‌سرایی در شعر، عبث و بیهوده شمرده شد و جایگاه ویژه خود را از دست داد (فروخ، ۱۹۶۹).

در صدر اسلام، مدح در اشعار کم شد؛ چراکه رسول خدا ﷺ خواهان ستایش و تعریف و تمجید نبود بلکه طالب اجر و ثواب اخروی بود. شاعران مسلمان روشی را در مدح رسول خدا ﷺ در پیش گرفتند که آمیزه‌ای از صفات دینی با صفاتی همچون شجاعت، دلیری، قدرت و مانند آن بود. این نکته بدین معناست که معانی جاهلی رنگ و لعاب معانی اسلامی به خود گرفت و به مرور زمان معانی جاهلی از شعر کنار رفت و فقط معانی جدید اسلامی جایگزین آن شد. (جبوری،

۱۹۹۷، ۳۵۷) در صدر اسلام، تعداد زیادی از شاعران به مدح و منقبت پیامبر ﷺ و دین اسلام می‌پرداختند که با مطالعه دیوان‌های شاعران صدر اسلام، این خصیصه بارز قابل مشاهده است. حسان بن ثابت و کعب بن مالک فقط وصف پیروزی در جنگ‌ها و شکست دشمنان و بیان خطاهای آنان را با سرودن شعر برعهده داشتند، ولی عبدالله بن رواحه کفرشان را مطرح می‌کرد که تأثیر منفی زیادی بر آنان داشت (سلوم، ۱۹۸۵). رویگردانی مسلمانان از مدح و ستایش دروغین و مبالغه در تحسین و تمجید از طرفی و قضیه بیت‌المال و عدم اعطای صله و پاداش از طرف دیگر، باعث شد کسی با شعر کسب درآمد نکند و مدح رو به کساد و فراموشی رود.

۴. حسان بن ثابت

ابو ولید حسان بن منذر انصاری خزرجی نجاری، یکی از مشهورترین شاعران پیرو رسول خدا ﷺ بود. وی در زمینه به دنیا آمد و در آنجا رشد کرد و همانند دیگر شاعران جاهلی در خدمت قبیله‌اش بود و دفاع از قوم خود را وظیفه خود می‌شمرد. در این ایام، شعرش جنبه قبیله‌ای داشت و جو حاکم بر آن تفاخر بود. آنچه حسان را به این مبارزه فرا می‌خواند، خصومتی بود که میان قبیله او و قبیله اوس وجود داشت و حسان در برابر شاعران جناح دشمن (مانند قیس بن خطیم) ایستادگی می‌کرد و مفاخر قوم خود را آشکار می‌نمود که اشعار او سرشار از ذکر شجاعت، کرم، شرف و حسب و نسب قومش بود. حسان به دربار غسانی یعنی، دربار ملوک حیره انتساب داشت و تنی چند از این امرا را مدح گفته بود. این مدایح به سبک و سیاق جاهلی است که با وقوف بر اطلال و ذکر ممدوح و ستایش او سروده می‌شد (فاخوری، ۱۳۶۸).

حسان پیش از اینکه اسلام بیاورد، سخت به باده‌گساری و غنا دل بسته بود. توصیف‌های او شراب و غزل‌هایش بسیار مشهور است. وی با صله‌ها و جوایزی که از پادشاهان دریافت می‌کرد، در رفاه و آسایش بود و بدین ترتیب زندگیش را در جاهلیت سپری کرد. او شصت سال از عمر خود را در جاهلیت به سر برد و نیم دیگر عمرش را در دوره اسلامی گذراند. شعر حسان در دوره اسلامی رنگ سیاسی به خود گرفت؛ دشمنان اسلام را هجو و مؤمنان را می‌ستود. مدایح حسان در این

دوره، منحصر به مدایح پیامبر ﷺ و بزرگان صبحانه و کسانی بود که در راه دین به مصائبی گرفتار آمده بودند. این اشعار را به انگیزه تکسب نمی‌سرود بلکه از روی عاطفه واقعی و عقیده قلبی و بی‌هیچ چشم داشت مادی و دنیوی می‌سرود. شعر حسان در این دوره استوار، محکم و زیبا و عمیق بود و جایگاهی چون دیگر شاعران جاهلی داشت. اغراض شعر وی عبارت بود از هجا، مدح و غزل و نسیب و فخر. اولین هجو وی در نقیضه‌سرایی با قیس بن خطیم بوده، سپس دشمنان خود و به‌طور کلی دشمنان قبیله‌اش را هجو کرده است. در مدح‌هایش بنی غسان و نعمان بن منذر و دیگران را مدح کرده است و در جاهلیت به شعثاء و عمره و دیگران به گونه‌ای روان و لطیف تغزل کرده است. (ضیف، ۱۹۶۳)

در دوره اسلامی، شعر حسان نمایانگر دین جدید و تأثیر او از قرآن است. این امر در معانی تازه موجود در شعرش و تفصیل بعضی عقاید و شعائر دینی همچون توحید، تنزیه، ثواب و عقاب پدیدار است. همچنین واژه‌های تازه‌ای که با آمدن اسلام به زبان عرب وارد شده بود، در سراسر اشعار اسلامی حسان پراکنده است. شعر حسان یکی از مصادر تاریخی آن ایام است؛ اعمال پادشاهان، جنگ‌ها و کشورداری‌هایشان در اشعار وی از منابع حوادث صدر اسلام به‌شمار می‌آید و در مورد غزوه‌های پیامبر اسلام ﷺ، از جمله فتح مکه، در اشعار حسان اطلاعاتی وجود دارد؛ شعر او سر آغاز شعر سیاسی است که در عهد اموی به اوج شکوفایی خود رسید. (فاخوری، ۱۳۶۸)

ناقدان می‌گویند که شعر حسان در دوره اسلامی، سست و اندکی ضعیف یا به عبارتی، نرم و لطیف شده بود که می‌توان علت آن را در چند موضوع خلاصه کرد از جمله اینکه دلیل ضعف شعری حسان شگفت‌زدگی او در مقابل اسلوب قرآن کریم و احادیثی است که رسول خدا ﷺ بیان می‌نمود. ممکن است توانمندی حسان فقط در سرودن هجا بوده باشد و بعد از قبول اسلام و کنار گذاشتن هرگونه هجای کوبنده و پرداختن به مدح و منقبت پیامبر ﷺ، شعر او نرم و ضعیف به نظر برسد. حسان، بسیاری از شعرهای دوران اسلامی خود را هنگام بروز وقایع مربوط یا جنگ‌ها، به‌طور فی‌البداهه می‌سرود که بی‌اندیشه سرودن این شعرها باعث می‌شد نقص‌هایی

دو وزن و قافیه و معنا داشته باشد که آن را ضعف می‌نمود، ولی باید توجه داشت که هیچ‌یک از این دلایل نمی‌تواند دلیل اصلی و قاطع باشد. (فاخوری، ۱۳۶۸)

۵. کعب بن زهیر

کعب بن زهیر، فرزند زهیر بن ابی سلمی، از شاعران بزرگ جاهلی است. وی از قبیله نزینه است، اما چون با فرزندانش در بین قبیله بنی مره ذبیانی زندگی می‌کرد، ذبیانی خوانده می‌شد. کعب، شعر را از پدر آموخت و در دوره جاهلیت نیکو شعر می‌گفت. (ضیف، ۱۹۶۳) زمانی که بجیر، برادر کعب، اسلام آورد، کعب او را در قصیده‌ای هجو کرد. قصیده‌ای که در آن پیامبر اسلام ﷺ را نیز در معرض تیرهای کلامش قرار داده بود. این قصیده با مطلع «الا بلغا عنی بجیرا رساله فهل لک فیما قلت - و یحک - هل لکا» آغاز می‌شود (فاعور، ۱۹۹۷).

کعب تا زمان فتح مکه بت‌پرست بود و زمانی که پیامبر ﷺ به طائف رفت، بجیر در نامه‌ای به او خبر داد که پیامبر ﷺ هر شاعر مشرکی را که علیه اسلام شعر بگوید، خواهد کشت، مگر اینکه مسلمان شود و با اظهار توبه و پشیمانی نزد رسول خدا ﷺ رود. سینه کعب با این سخن نرم شد و به نزد رسول خدا ﷺ رفت، درحالی‌که بر چهره نقابی زده بود و گفت: «ای رسول خدا! مردی می‌خواهد با تو بیعت کند». رسول خدا ﷺ نیز پذیرفته و به او دست بیعت داد. سپس کعب نقاب از چهره کنار زد و گفت: «من کعب بن زهیر هستم» و قصیده معروف خود با مطلع «بانت سعاد فقلبی الیم متبول متیم اثرها یفد لم مقبول» را برای عذرخواهی خواند (فاعور، ۱۹۹۷، ص ۶۰). پیامبر اسلام ﷺ جامه خود را برای صله به او داد. به همین سبب است که این قصیده به قصیده برده مشهور است؛ قصیده‌ای که سبک و سیاق جاهلی دارد، با تغزل شروع می‌شود، یاد و ذکر سعاد و دوری او و بعد به ذکر ناقه خود و بعد از آن به مدح پیامبر ﷺ می‌پردازد. کعب قسمت‌هایی از این قصیده را متأثر از پدرش سرود آنجا که می‌گوید: «و فارقتک برهن لا فکاک که یوم الوداع فارسی الرهن قد قلقا». وی در توصیف سعاد و تشبیه او به آهو و خلف وعده محبوبه‌اش، از پدرش متأثر است. در توصیف شتر از آنچه پدرش در این باره سروده، الهام گرفته

است. در شعر کعب، پند و نصیحت و حکمت نیز مشاهده می‌شود و در بسیاری از اشعاری که پس از اسلام آوردن سرود، از رزاقیت خداوند به بندگان و بی‌روزی رها نکردن آنان دم می‌زند (فاعور، ۱۹۹۷): «اعلم انی متی ما یاتنی قدری فلیس یحسبه شح ولا شفق».

شعرهای کعب در عصر جاهلی پر از فخر، تهدید و انذار است و شرارت و پلیدی در دیوانش موج می‌زند؛ اما بعد از پذیرش اسلام، جانش را پاک و طاهر کرد، معانی جدید اسلام را حس نمود و در اشعارش به آنها ظهور داد. صناعت در شعر کعب آشکار است، او فقط به استفاده از شیوه متقدمان در این طریق بسنده نکرد؛ گاهی به دلیل استقرار معنی در ذهن خواننده به اطناب روی می‌آورد، یا به انتخاب الفاظ پرطنین و به تکرارهای لفظی می‌پردازد و همه اینها را با سخنانی حکمت‌آمیز که به نیروی کلامش می‌افزاید، آرایش می‌دهد و در اسلوب او خشونت بدویت اندک است و در بلاغت به صنایع گرایش دارد. دیوان کعب چندان دلپسند نیست و اگر قصیده «بانت سعاد» از آن حذف شود، چیزی جز قطعات کوتاهی در موضوعات عادی همچون مدح، غزل، هجو، رثاء و امثال آنها باقی نمی‌ماند. قصیده «بانت سعاد» در زمره «المشوبات» است؛ جمعی از شعرا به انواع مختلف آن را تضمین کرده‌اند و گروهی از علما به شرح و تفسیر آن پرداخته‌اند. (فاخوری، ۱۳۶۸)

۶. نتیجه‌گیری

شعر تحت تأثیر عنصر زمان و مکان تغییر ماهیت داده، واژه‌ها بعد از مدتی متروک می‌مانند و جای آنها را دسته‌ای از لغات و مفاهیم مربوط به آن عصر می‌گیرند؛ به طوری که با مطالعه دیوان‌ها و کتاب‌ها، این تغییر قابل مشاهده است. تغییر موضوعات و مضامین شعری و حتی خشونت، یا نرمی و لطافت لغات و عبارات نیز تحت تأثیر همین امر است. اسلام نیز به منزله یک عامل مثبت، تأثیر آشکاری بر شعر نهاد که از همان ابتدا مشهود و ملموس بود.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۷۳). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: دارالقرآن الکریم.
۱. زیدان، جرجی (۱۹۵۷). تاریخ الادب اللغة العربیه. مصر: دارالهلل.
۲. سلوم، داود (۱۹۸۵). الشعر الاسلامی تحت سلطه الخلافه. بیروت: مکتبه.
۳. ضیف، شوقی (۱۹۶۳). تاریخ الادب العربی، العصر الاسلامی. مصر: دارالمعارف.
۴. عتیق، عبدالعزیز (۲۰۰۱). فی الادب الاسلامی و الموی. بیروت: دارالنهضة العربیه.
۵. الفاخوری، حنا (۱۳۶۸). تاریخ ادبیات زبان عربی. ترجمه: عبدالحمید آتی. تهران: توس.
۶. فاعور، علی (۱۴۱۷هـ.ق). شرح دیوان کعب بن زهیر. بیروت: دار الکتب العالمیه.
۷. فروخ، عمر (۱۹۶۹). تاریخ الادب العربی. بیروت: دارالعلم للملایین.
۸. القط، عبدالقادر (۱۹۸۷). فی الشعر الاسلامی. بیروت: دارالنهضة الهریة.
۹. الکیلانی، نجیب (۱۹۸۵). رحلیه مع الادب اسلامی. بیروت: مؤسسه الرساله.
۱۰. معروف، نایف (۱۹۹۳). الادب اسلامی فی عهد النبوه و خلافه الراشدین. بیروت: دارالشفایی.
۱۱. هداره، محمدمصطفی (۱۹۹۵). الشعر فی صدراسلام و العصر الاموی. بیروت: دارالنهضة العربیه.